



عمل خالص عملی است که غیر از خدا کسی آنرا تحلیل نکند/ ماجرای سفره انداختن زن بی حجاب برای حضرت زهرا(س)

حجت الاسلام علوی تهرانی در دانشگاه امام صادق(ع) با بیان اینکه عمل خالص آن عملی است که اراده نکرده باشد که کسی غیر از خدا آن عمل را حمد و ثنا و تجلیل کند، گفت: اگر هم می خواهد صدقه بدهد در مقابل دوربینی که در مقابل هفتاد میلیون است، نه، چنان بدهد که دست چپ از دست راست پیدا نکند.

حجت الاسلام علوی تهرانی در دانشگاه امام صادق(ع) با بیان اینکه عمل خالص آن عملی است که اراده نکرده باشد که کسی غیر از خدا آن عمل را حمد و ثنا و تجلیل کند، گفت: اگر هم می خواهد صدقه بدهد در مقابل دوربینی که در مقابل هفتاد میلیون است، نه، چنان بدهد که دست چپ از دست راست پیدا نکند.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین علوی تهرانی در شب اربعین در مسجد دانشگاه امام صادق به ارائه سخن پرداخت که اکنون گزارش آن از نظر شما می گذرد.

آنچه که مسلم است دنیای ما را مال می سازد. بر اساس مالی که داری یک موقعیت اجتماعی را کسب می کنی. صاحبخانه می شوی، صاحب کارخانه می شوی، صاحب ویلا می شوی به بالا... اما بر اساس جهان بینی دینی ما، یک چیزی داریم به نام آخرت. مرتبه دیگری از زندگی ما وجود دارد نشئه دیگری از زندگی وجود دارد که اسمش آخرت است. آخرت ما را چه چیزی می سازد؟ سؤال این است. در مقام جواب حدیثی را از ساحت مقدس حضرت امام هادی (ع) نقل می کنم و همین را مطلع بحثم قرار می دهم و موضوع بحثم قرار می دهم. امام می فرماید: «الناسُ فی الدُّنْیا بِالْأَمْوَالِ وَ فی الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ: دنیای مردم را مال می سازد و آخرت مردم را عمل می سازد»

پس اگر کسی بخواهد رهسپار آخرت بشود، آخرتی که تقسیم شود به بهشت و جهنم، این محصول عمل ماست. وجود نازنین حضرت امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: «لاتکن من مَن ترجوا الآخره بغیر عمل: از گروه کسان بدون عمل که در آرزوی آخرت خوش هستند نباش.» آرزوی خوش در سایه عمل است. مستحضر هستید که یکی از اعتقادهای حقه شیعه، اعتقاد به معراج است و مستحضر هستید که در تاریخ ما و در روایات ما آمده است که پیغمبر ۱۰۱ معراج داشتند و قرآن کریم یک موردش را در دو سوره بیان کرده. در شب معراج پیامبر می فرماید که در مرحله ای دیدم که یک عده از ملائکه مشغول کار هستند. یک درخت می کارند، چند درخت می کارند دست از کار می کشند، چند درخت می کارند دست از کار می کشند. از جبریل سؤال کردم گفتم دارند چه کار می کنند؟ گفت: آقا این ها دارند بهشت اهل ایمان را می سازند.

رسول اکرم فرمودند: پس چرا یکسره کار نمی کنند و دست از کار می کشند؟ در مقام جواب عرض کرد: آقا این ها منتظر ملات هستند از جانب پایین. عمل خیرشان که بالا برسد تبدیل میشود به درخت. عمل خیرشان تبدیل میشود به آجر- که تعبیر آجر از بنده است- آن ملاتی که در بهشت استفاده می شود محصول عمل ماست. قرآن هم می فرماید: «یوم تجد کلُّ نفسٍ ما عملت من خیر محضراً و ما عملت من سوءٍ تودُّ لو انَّ بَیْناها و بَیْنه أمداً بعیداً: هر عملی چه خیر باشد چه شر آنجا حاضر میکنیم منتهی کسانی که عمل بد انجام می دهند آرزو می کنند بین آنها و عملشان فاصله خیلی زیادی باشد» یعنی این عمل روبه او منسوب نکنند گناهی که در اینجا با افتخار انجام می دهد آنجا آرزو می کند که جزو پرونده اش نباشد. آخرت ما را عمل می سازد. تردیدی در آن نیست. «یوم تجد کلُّ نفسٍ بما کسبت رَهیته: هر انسانی مرهون و وابسته آن چیزی است که انجام داده است.» این مقدمه اول.

مقدمه دوم: قیامت، عمل، بهشت و جهنم ما را می سازد. ما به جهنم کار نداریم راجع به بهشت صحبت می کنیم. چون اکتساب بهشت کار سختی است به دست آوردن جهنم خیلی فعالیت نمی خواهد همان کاری نکردن خودش جهنم را می آورد، لازم نیست غیبت انجام دهد همین که کاری نکند می رود جهنم). چقدر عمل با خود ببریم، از نظر کمی چقدر عمل با خود ببریم، خوب و مطلوب است؟ به دو حدیث توجه بفرمایید: حدیث اول آنکه: قال رسول الله: پیغمبر ما فرمودند، «لو کانَ لِرَجُلٍ عَمَلٌ سَبْعِینَ نَبْیاً لَسْتَثْقَلَ عَمَلُهُ مِنْ شِدَّتِ ما یراه یومئذٍ: آدمیزاد وقتی روز قیامت محشور می شود آنقدر در عالم حشر سختی می بیند که گمان می کند اگر عمل هفتاد پیامبر در نامه عملش باشد باز هم کم می آورد.» دقت کنید عمل هفتاد پیامبر!! و دقت کنید چه کسی این حرف را زده است، پیامبر اکرم(ص)!!

پس معلوم می شود خیلی سخت است. حشرش سخت است، نشرش سخت است، حسابش سخت است، میزانش سخت است، صراطش سخت است. این قدر سخت است که آدم خیال می کند اگر عمل هفتاد پیامبر را داشته باشد به نظرش (اعمالش) کم می آید که نکند مشکل پیدا کنم!!! حدیث دوم: از ششمین جانشین بر حق وجود نازنین حضرت ختمی مرتبط وجود نازنین امام جعفر صادق(علیهما السلام) نقل شده که ایشان فرمود: «لو نظر الناس إلی مردود الأعمال من السماء لقالوا ما یقبل الله من أحدٍ عملاً: اگر مردم می دانستند چقدر از اعمال را رد می کنند، عمل مردودی در روز قیامت چقدر زیاد است، یک بیانیته صادر می کردند و می گفتند خدا هیچ عملی را نمی پذیرد.» پس سخت است!!! پس

۱- بهشت با عمل ساخته می‌شود.

۲- کثرت عمل سخت است

۳- چه عملی؟

قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ» «کسی که یک حسنه را با خودش بیاورد» نه مَنْ عَمِلَ حَسَنَةً نه کسی که حسنه را انجام می‌دهد چه بسا شما در دنیا سال‌ها عمل انجام بدهی! اما به طریقت عینی همه را از بین می‌بریم. این می‌شود عامل حسنه و نه کسی که عمل حسنه را با خودش برده است. پس شما باید حسنه را با خودت ببری! چه عملی؟ بناست بهشت بسازیم. آقایان فرمول بهشت ساختن را صاحب بهشت می‌گوید، اگر کس دیگر به تو چیزی گفت دارد سرت کلاه می‌گذارد. سوره مبارکه آیه هشتاد و دو: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ: کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند اینان کسانی هستند که در بهشت خالد خواهند بود» پس از بنده و شما چی می‌خواهند؟ عمل صالح.

پس در پرونده ات باید عمل باشد. توی پرونده ات باید عمل زیاد باشد و باید این اعمال را با خود ببری و چهارمین رکن این است که این عمل باید عمل خالص باشد. حال عمل صالح چه ویژگی باید داشته باشد؟ ما یک فعل داریم، یک عمل داریم، یک عمل خالص. نه فعل از ما می‌خواهند، نه عمل از ما می‌خواهند، بلکه عمل خالص می‌خواهند. حال عمل صالح چه ویژگی باید داشته باشد؟ بحث ما همین جاست.

عمل صالح عملی است که سه شرط داشته باشد- در شرع مقدس به عملی می‌گویند عمل صالح که منبعث از ایمان باشد. آنقدر این شرط موثر است که هر جا از عمل صالح صحبت می‌شود این شرط را هم با آن آورده اند که باید اهل ایمان باشید. در یک کلام از امام صادق (ع) خود ایمان معنا کردندش وقت مناسب می‌طلبید و من یک شب میهمان شما هستم- در یک کلام حقیقت ایمان را بیان می‌کنند و تمام.

قال الصادق (ع): امام صادق (ع) فرمودند: «الایمان أن يُطَاعَ اللهَ وَ لَا يُعَصَى: ایمان آن حقیقتی است که موجب می‌شود که اطاعت خدا را بکنی و معصیت نکنی.» آن حقیقتی که موجب می‌شود تو یک عمل انجام بدهی یعنی به دانش شما ایمان نمی‌گویند ولو متعلق دانش شما دانش دین باشد. مثال بزنم برای شما: هارون الرشید- خلیفه عباسی- دنبال این موضوع بود که یک نفر را پیدا بکند که مستقیماً از خود پیغمبر روایت شنیده باشد. پیغمبر سال ۱۱ هجری از دنیا رفتند مثلاً فرض بکنید این قضیه در سال ۱۶۰ هجری هم اتفاق افتاده باشد که دوران موسی جعفر (ع) باشد. ۱۶۰ را از ۱۱ هجری کم کن بین طرف چندساله باید باشد. این آدم هم باید یک آدمی باشد که حداقل ۱۰ سالش بوده باشد که حدیث در یادش مانده باشد. یعنی بی‌رودربایستی گفته بود: دنبال یکی بگردید که حرفی را از پیغمبر شنیده باشد و یادش مانده باشد و مشاعرش را از دست نداده باشد!! چنین چیزی کار سختی بود ولی از آنجایی که جوینده یابنده است ولو هارون الرشید باشد، گشتند یک نفری را پیدا کردند، به هارون خبر دادند که ما یک نفری را پیدا کردیم که از خود پیامبر حدیث شنیده است و می‌خواهد بیاید حدیثش را برای تو بخواند. خیلی خوشحال شد گفت بیاوریدش منتها نه امروز، یک روزی باشد که اشراف و بزرگان قوم را دعوت کنم، یک سمیناری را تشکیل دهم که این بیاید روایت باشد. به او گفتند که تو رو به خدا تو از پیامبر حدیث شنیدی؟ گفت: آری. درون یک چرخ گذاشتندش که آفتاب نبیند و مهتاب بر وی نتابد که مبادا جان از قالبش خارج بشود. به او گفتند که تو رو به خدا تو از پیامبر حدیث شنیده ای؟ گفت: آری خودم شنیدم. گفت: آن موقعی که تو از پیامبر حدیث شنیدی چند سالت بوده؟ گفت: ۱۵ سالم. گفت چی شنیدی؟ گفت من یک روایت از پیغمبر شنیدم، پیغمبر فرمودند: فرزندان آدم پیر می‌شوند اما دو خصوصیت در آنها جوان می‌شود. «يَشِيبُ ابْنُ آدَمَ وَ تَشِبُّ فِيهِ حَصَلَتَانِ: الحِرْصُ وَ الطُّولُ الْعَمَلِ: ۱- آرزو طولانی و دست‌نیافتنی تر می‌شود ۲- حریص می‌شود.

هارون صدا زد مسئول خزانه‌داری را و گفت: به او ۱۰۰۰ سکه بدهید- مال بیت‌المال است دیگه مال خودش نیست که دلش بسوزد- به او دادند. پیر مرد رفت و گفت: خدا حافظ. نرسیده به در خروجی گفت: من با خلیفه کار دارم به خلیفه گفتند با تو کار دارد خلیفه اجازه داد بیاید. گفت: آقای خلیفه این ۱۰۰۰ دینار مرحمتی امسال است یا هرساله است؟ هارون خندید و گفت: «صدق رسول الله» پیغمبر راست گفت، «يَشِيبُ ابْنُ آدَمَ وَ تَشِبُّ فِيهِ حَصَلَتَانِ: الحِرْصُ وَ الطُّولُ الْعَمَلِ» راست گفت. بابا من گفتم: تو از این در بری بیرون زنده نیستی!!! تو برای سال بعدت نقشه کشیدی که این سال بعد هم هست یا نیست؟ این دانش دین رو داشت اما باور دین رو نداشت. ایمان فراتر از دانش دین است. ایمان یک مقوله‌ای است که ایجاد انگیزه می‌کند در انسان و نتیجه‌اش می‌شود: «أَنْ يُطَاعَ اللهَ وَ لَا يُعَصَى»، باید این باشد. این اولین خصیصه‌ای است که عمل صالح باید منبعث از این معنا باشد.

آقا این حرف‌هایی که تو زدی یک آدم‌هایی هستند که اهل ایمان نیستند خیراتشان خیلی بیشتر از ما مؤمنین است- البته ما مدعی ایمان هستیم، دلمون خوش است که می‌گوییم مؤمنیم. عناوین اینکه ما و شما می‌گوییم، اینکه ما به شما می‌گوییم استاد و شما به ما می‌گویید حجت‌الاسلام و این‌ها بین خودمان است. عناوین آنهایشان اعتبار دارد که خدا می‌گوید، به خودمان می‌گوییم مؤمن، آیا خدا هم ما را به عنوان مؤمن قبول دارد یا نه؟ ما همه می‌گوییم که دلمان ضعف میره برای

امیرالمؤمنین می‌میریم برای امیرالمؤمنین، خب امیرالمؤمنین هم ما رو قبول دارند یا نه؟ همیشه سؤال رو از آن طرف دیگر نیز بپرسید، سؤال از این طرف باعث رکود می‌شود، سؤال از آن سو باعث فعالیت می‌گردد. اینکه من علی رو دوست دارم هیچ امتیازی نیست چون مسیحی‌ها هم علی را دوست دارند، اما اینکه علی من رو دوست داشته باشد این واقعاً جنبه حرکت میشه برای ما، انگیزه می‌شود برای ما

علی چه کسی را دوست دارد؟ علی، سلمان را دوست دارد، من کجا سلمان کجا چه شد سلمان شد سلمان؟ سلمان دارای سه ویژگی شد. خب من چند تا از آن ویژگی‌ها را دارم؟ هیچی!! پس هیچی. پس هیچی، خیلی خودمونی. خب آقا آمریکا یک موسسه دارد به دلار برای خیریه خرج می‌کند اون وقت می‌گویی خدا آن رو قبول نمی‌کنه؟ پول ما را قبول می‌کند؟ اینکه پول ما رو قبول می‌کنند یا نمی‌کنند نمی‌دانیم! اما بیانیه برای غیر اهل ایمان صادر می‌کند که، سوره مبارکه نور آیه ۳۹: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَیْنَهُ یَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ یَجِدْهُ شِیْئاً: کسانی که کفر ورزیدند عمل آنها مثل سراب در بیابان است که آدم تشنه آن را آب می‌پندارد اما موقعی که رفت نزدیکش چیزی نیست»

مصدق «حَسْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ» شما اگر عمل صالح می‌خواهید باید منبعث از ایمان باشد ایمان آن حقیقتی است که موجب عمل بشود نه فقط یک دانش باشد. پس کافران چی؟؟ حکمش را قرآن مطرح کرده، من از خودم نگفتم. البته دشمنی هم دارم چرا که «سَلِّمْ لِمَنْ سَلِمَکُمْ وَ حَرِّبْ لِمَنْ حَارِبَکُمْ» چرا نداشته باشم. ملاک ما را اهل بیت مشخص کردند.

دومین خصوصیتش رو هم برایتان بگویم، عمل صالح باید مطابق سنت باشد. قال رسول الله: پیغمبر فرمودند: «لَا یُقْبَلُ قَوْلٌ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ لَا یُقْبَلُ قَوْلٌ وَ عَمَلٌ إِلَّا بَالْتِیَّهِ وَ لَا یُقْبَلُ قَوْلٌ وَ عَمَلٌ وَ نِیَّۀٌ إِلَّا بِإِصَابَةِ السَّنَةِ» «هیچ گفتاری پذیرفته نیست مگر در سایه عمل باشد و هیچ قول و عملی پذیرفته نیست مگر در سایه نیت باشد و هیچ قول و عمل و نیتی پذیرفته نیست به جز اینکه آن مجموعه در دین ملاحظه شده باشد. یعنی باید عملی باشد که از ساحت مقدس حضرت حق و یا پیغمبر عظیم الشان و ائمه اطهار رسیده باشد و نه عملی که از ناحیه من صادر شده باشد باید مستند باشد. در زمان امام صادق(ع) یک عده آدم آمدند- خیلی آدم‌های نفهمی هستند بعضی‌ها- آمدند به امام صادق که آقا یک کسی است خیلی خوب است، خیلی آدم خوبیه- در مقابل مجموعه خوبی‌ها از کس دیگر دارند حرف می‌زنند، دکان سازند در مقابل امام معصوم- امام صادق(ع)- حالا دانشگاه شما هم دانشگاه امام صادق است، بد نیست بدانید که امام صادق(ع) در بین امامان خیلی مظلوم است در بعضی از نقل‌ها می‌گویند که امام صادق ۴۰۰۰ شاگرد را در طول عمر شریفشون در آن ۱۰ ساله که دعوی بنی‌امیه و بنی‌عباس بود وگرنه زمانی که منصور مستقر شد اجازه نداد. مرحوم عماد زاده می‌گوید ۴۰۰۰ نفری که نقل کرده‌اند شاگردان دوره فقه امام هستند والا کرسی درسشان در کلام و... هم بوده بنابراین شاگردان حضرت ۱۲۰۰۰ نفر بوده‌اند حالا من می‌گویم نه ۱۲۰۰۰ و نه ۴۰۰۰، ۱۰۰۰ تا که بوده.

به امام صادق(ع) گفتند که آقا چرا قیام نمی‌کنی؟ آقا دست سؤال‌کننده را گرفت برد بیرون فرمود: اگر به اندازه این گوسفندان یار داشتم قیام می‌کردم، فرد گفت شمردم تعداد گوسفندان ۱۷ تا بود!!- آمد در مقابل امام صادق(ع) با کمال بی‌ادبی گفت آقا این خیلی آدم خوبی است. حضرت فرمود خیلی دلم می‌خواود ببینمش. گفت آقا فردا نشانتان می‌دهم. حضرت یک روز که می‌رفتند، گفتند: آقا آن آدم همین فرد است. حضرت او را مورد مذاقه خودشون قرار دادند، در یک هیاهویی که عده‌ای از این مریدها درست کرده بودند- که هرچی مرید را این مرادها به آتش جهنم می‌رسانند، بعضی هاشان که خودشان باورشان می‌شود. بعد هیاهو و چه و چه- این در یک شلوغی دو تا نان دزدی و حضرت تعجب کردند بعد رفتند جلوتر این نان رو به دو تا یتیم دادند بعد کمی جلوتر بر در مغازه انار فروش‌ها دوباره دو عدد انار دزدید و داد بعد رفت در مکان دیگری دید دو پیرمرد نشستند خودش نشست انارها رو قاچ کرد و دان کرد و آبش رو با دست خودش می‌گذاشت دهان این‌ها، آمد بیرون و حضرت گفت: چه کار کردی؟

- ببینید چقدر آقا است که خودش را معرفی نکرد! گفت: خیرات کردم. حضرت گفت از پول کی؟ من که دیدم تو چه کردی! مرد گفت فکر کنم تو از بنی‌هاشم باشی. حضرت فرمود بله درست حدس زدی. مرد گفت من می‌دانستم بنی‌هاشم اهل حساب کتاب نیستند چرا که من ۱۰ ثواب بردم و ۱ گناه کردم! حضرت به فرمودند: احمق! خدا جز از اهل تقوی نمی‌پذیرد! دزدی کردم ۴ تا بخشیدم ۴۰ تا! ۱۴۴۰ کم می‌شود ۳۶۰! اصلاً اون‌کی که تو دادی حسابش نمی‌کنند که بخواید ۱۰ برابر بشود. اشکال محاسبه تو این است که تو اول ۱۰ را گرفتی بعد داری ۱ را کم می‌کنی آن را اصلاً حساب نمی‌کنند. پس دومین خصوصیت عمل صالح این است که منطبق با سنت باشد حالا عمل صالح غیر منطبق با سنت در جامعه امروز ما إلی ما شاء الله که دیگر نمی‌خواهد بشماریم که، بشماریم یکی دو تا ش را؟ بگویم یکی دو تا ش را خدمت آقایان که خیلی هم وقت آقایان را نگیرم. حضرت آیت الله ضیاء‌آبادی فرمودند: قبل از انقلاب یک مادر و دختری آمدند پیش ما که لباس ظاهریشون خیلی پوشیده نبود بعد خانم آمد جلو به من گفت حاج آقا من نذر کردم که اگر دخترم وارد دانشگاه بشود، یک سفره حضرت زهرا پهن کنم. بعد آقا فرمودند که دوتایی باهم یک متر لباس نپوشیده بودند و پارچه نداشتند و دنبال سفره حضرت زهرا هم هست! آقا فرمودند: من نمیدانم حضرت زهرا سفره داشت یا نه اما میدانم حضرت زهرا حجاب داشتند! با تمام احترامی که برای سفره‌ها دارم، سفره‌هایی که این چینی است وگرنه ما مخلص سفره‌ها هم هستیم نه اینکه دو نفری یک متر پارچه نداشته باشند بعد سفره حضرت زهرا ببندازند.

سابق ما در مسجد خودمان در محراب نشسته بودیم بعد دیدیم یک کیسه از این نایلونهای مشکی فرستاد مثل نارنجک انداختند وسط مسجد حالا تو سر کسی خورد یا نه نمی دونم. بعد خب دوستان ما رفتند آوردند دیدند شکلاته بعد آوردند بخورند دیدند روی هر شکلات نوشته برای برآورده شدن حاجت من ۱۰۰۰ تا صلوات بفرستید! بابا این مسخره کردن دین است آخه چرا اینطور می کنند؟ دیگه نمی گویم همین دوتا مثال کافیست خب مطابق با سنت نباشد می شود این.

سومین خصوصیت که باید عمل صالح داشته باشد این است که عمل خالص باشد. خالصانه هم باشد. زیاد به شما گفتند عمل خالص اما هنوز نگفتند عمل خالص چی هست؟ عمل خالص دو خصوصیت دارد که اگر این دو خصوصیت بود جزء سومین شرط عمل صالح است؟ عمل صالح سه شرط دارد: ۱- منبعث از ایمان باشد ۲- منطبق بر سنت باشد ولو چهره دینی داشته باشد ولی مستند به دین نباشد عمل نیست. خیلی دنبال این معنا نرو که ذکر را از غیر اهل بیت باشد، چون کسی که ذکر را به غیر اهل بیت بدهد انگار می گوید نسخه اینها کافی نیست، انگار می گوید نسخه پیغمبر کافی نیست. دوتا خصوصیت عمل خالص دارد: ۱- قال الصادق (ع): «و العمل الخالص الذی لا یرید أن یحمدک علیه أحدٌ إلا الله»

عمل خالص آن عملی است که اراده نکرده باشد که کسی غیر از خدا آن عمل رو حمد و ثنا کند. تجلیل کند، اگر هم می خواهد صدقه بدهد در مقابل دوربینی که در مقابل هفتاد میلیون است، نه، چنان بدهد که دست چپ از دست راست پیدا نکند. دیدی کمیت امداد چطور کار می کند؟ گلد کویست رو پخش نمی کنند می گویند آبروش می رود، معتاد هم اخیراً شده مریض نه انگل این هم آبروش می رود شطرنجی می کنند اما آدم نیازمند را آنچنان تصویر را از جلو می گیرد که تمام چین و چروکها طرف پیدا است که چی من دارم کمک می کنم خب اینکه از قبلی ها آبرومندتر است! چرا جلو دوربین کمک می کنی! پس باید عمل باید طوری باشد که من تلاشم طوری باشد که همه مردم بفهمند که آقا ما مثلاً فرض کنید که آره آنجا را ما اداره می کنیم اینجا را هم ما اداره می کنیم حالا اگه خودمان هم نمی گوئیم تلویزیون می گوید. این عمل، عمل خالص نیست. «و العمل الخالص الذی لا یرید أن یحمدک علیه أحدٌ إلا الله» جز خدا.

خصوصیت دومی که رسول اکرم می فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ حَقِّ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ اخْلَاصٍ حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لِلَّهِ» برای هر حقیقی وجود دارد و هیچ بنده ای به حقیقت و نهایت اخلاص نمی رسد مگر اینکه بدش بیاید که مردم به او بگویند آقا طیب الله. اگر هم به او بگویند می گوید آقا تو عمل من رو خراب کردی چون طیب الله تو هرچقدر هم که صادقانه باشد در من اثر دارد و عمل من رو از مسیر خودش خارج می کند. آنجا نمی گذارد کسی بفهمد در دومی اگر کسی بفهمد و تمجید کند موضع می گیرد که آقا چرا اینکار رو کردی؟ اگر جشنواره گرفتند که خیرین رو معرفی کنند نمی رود در آن جلسه بایستند می گوید برای خدا انجام دادم و دلیلی ندارد تو تشکر کنی و عمل رو ضایع کنی. پس عمل صالح منبعث از ایمان می خواهند از ما، مشروط و مطابق با سنت و نحوه ای از خلوص با این دو خصوصیت باید در آن باشد.

یک نکته هم بگویم عرضم رو تمام کنم و آن اینکه یک روایت از امام صادق ممکن است که آقایان شنیده باشند یا بعد بشنوند که تعارضی با کثرت عمل ندارد. امام صادق (ع) فرمودند: «مَنْ قِيلَ لَهُ مِنْهُ صَلَاةٌ وَاحِدَةً لَمْ يَعْذِبْهُ وَ مَنْ قِيلَ لَهُ مِنْهُ حَسَنَةٌ لَمْ يَعْذِبْهُ: اگر خدا یک نماز بنده را بپذیرد او را عذاب نمی کند و اگر خدا یک عمل مستحب من رو هم بپذیرد عذاب نمی کند.»

با این استراتژی رفتند از حضرت امیر (ع) سؤال کردند: «لَمَّا قِيلَ لَهُ كَمْ تَصَدَّقَ؟ أَنْ لَا تُمَسِّكَ؟ قَالَ عَلِيٌّ (ع) إِنِّي وَاللَّهِ لَوْ أَعْلَمَ اللَّهُ قَبْلَ مَنْنِي فَرَضًا وَاحِدًا لَمْ أُمَسِّكْ وَلَكِنِّي وَاللَّهِ مَا أَدْرِي أَقِيلَ اللَّهُ مَنِّي شَيْءًا أَمْ لَا» به حضرت گفتند: که آقا چرا این قدر انفاق می کنی؟- باغ را در مدینه می فروخت می آمد کیسه را وسط خیابان ها و کوچه های کوفه می گذاشت و می فرمود هر کس مستحق است بیاید بردارد و برود و برمی داشتند و میرفتند و ته آن چیزی نمی ماند- چرا دست نگه نمی داری یک بخشی برای خودت روز مبادا؟ علی (ع) فرمود: به خدا منم می دونم که اگه خدا یک عمل من را قبول کند من دیگه دست نگه می دارم اما من علی هم نمی دانم که خدا از من عملی را قبول کرده یا نه. علی که قرار است در قیامت از بنده و شما شفاعت بکند می گوید من نمیدانم خدا از من پذیرفته یا نه. بنابراین کثرت عمل لازم است.